

عبدا... بن حسن^(ع)! آخرین سرباز

روز عاشورا آفتاب گرم تر از همیشه می‌تایید. مدّتی بود که سپاه یزید راه رسیدن به رودخانه را بسته بود و بچه‌ها از تشنگی بی‌تاب بودند. عبدا...^(ع) یکی دیگر از پسران امام حسن مجتبی^(ع) بود که با اینکه یازده سال بیشتر نداشت، از عمویش، امام حسین^(ع)، پشتیبانی کرد و درحالی‌که برای دفاع از بدن زخمی امام حسین^(ع) خودش را سپر کرده بود، دشمنان او را به شهادت رساندند.



قهرمان بودن به سن و سال نیست، به شجاعت است. وقتی کاروان امام حسین^(ع) به کربلا رسید، عبدا... بن حسن^(ع) هم یکی از بچه‌های کاروان کربلا بود که یازده سال بیشتر نداشت.



روز عاشورا وقتی صدای برخورد شمشیرها و شیهه‌ای اسب‌ها از دور به گوش می‌رسید، عبدا...^(ع) همراه بقیه‌ی بچه‌ها در خیمه بود. عمویش، حضرت عباس^(ع)، برای خدا حافظی به خیمه آمد. عبدا...^(ع) خودش را به آغوش عمو عباس^(ع) انداخت.

جنگاوران سپاه امام حسین^(ع) پشت سرهم به میدان جنگ رفتند و دشمنان را تارومار کردند. وقتی که به جز بچه‌ها و زنان خیمه دیگر کسی برای یاری امام نمانده بود، پسر کوچک وقتی خبردار شد عمو جان‌ش، حسین^(ع)، زخمی شده است، خیلی نگران شد. نمی‌توانست عمو را وسط میدان جنگ تنها بگذارد. برای همین عبدا...^(ع) دوید تا خودش را به عمو برساند.

